

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره شصت و یکم، تابستان ۱۴۰۰: ۴۹-۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی معنایی - منظوری گزاره‌های امری در غزلیات حافظ

و ارتباط آنها با سبک فردی حافظ

اصغر شهبازی*

چکیده

بررسی معنایی - منظوری گزاره‌های امری از موضوعات مرتبط با بلاغت (علم معانی) است. در نتیجه این بررسی می‌توان جهت‌گیری اندیشه و دل‌سپردگی شاعران را به موضوعات مختلف دنبال کرد؛ زیرا معمولاً برداشت اولیه از گزاره‌های امری، امر و دستور است، در حالی که شاعران از گزاره‌های امری، معانی و اغراض مختلفی را در نظر دارند و این موضوع در اشعار حافظ با توجه به ساختار تعلیلی - استنتاجی بیشتر جملات امری اهمیت بیشتری دارند؛ در این مقاله، گزاره‌های امری حافظ در ۲۵۰ غزل نخست دیوان حافظ به روش تحلیل محتوا (رویکرد توصیفی - تحلیلی) بررسی شده‌اند و در نهایت مشخص شده که در ۲۵۰ غزل نخست دیوان حافظ (معادل ۲۰۹۸ بیت)، در ۷۲۴ بیت، جمله امری (۵۵۴ بیت دارای امر مثبت و ۱۷۰ بیت دارای امر منفی) وجود دارد و حافظ از این منظر، امرکننده بزرگی است. از این تعداد، بسامد جملات امری با معانی تمنایی و ارشادی بالاست و شاید یکی از دلایل تفاعل زدن به دیوان حافظ همین موضوع باشد. در بیش از ۳۵ درصد این ابیات، از ساخت جملات مرکب امری - تعلیلی / استنتاجی استفاده شده، به گونه‌ای که خواننده پس از خواندن آن جملات امری، از نظر ذهنی اقتناع می‌شود و تلخی نصیحت را فراموش می‌کند. در این مقاله همچنین جملات امری حافظ، بر اساس نوع گوینده، مخاطب و طلب بررسی شده‌اند و در تمام موارد سعی شده بین نتایج و سبک فردی حافظ ارتباطی جست‌وجو شود.

واژه‌های کلیدی: حافظ، غزلیات، گزاره‌های امری، معانی ثانویه، سبک فردی.

مقدمه

در پژوهش‌های سبک‌شناختی جدید، بررسی جمله‌ها یا گزاره‌ها به عنوان یکی از سطوح مطالعات سبک‌شناختی، اهمیت زیادی دارد و این اهمیت بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که در بسیاری از موارد، تحلیل مفهومی تک‌تک واژه‌های جمله، ما را به نتایج خوبی نمی‌رساند؛ به عبارت دیگر، عوامل دیگری، همچون نحوه چینش واژه‌ها و بررسی معناشناختی جملات نیز در تحلیل نهایی تأثیرگذار هستند و حتی می‌توان گفت سطح جمله و ساخت جملات، نزدیک‌ترین سطح به سبک شخصی شاعران است (رضی، ۱۳۹۷: ۱۱۶؛ گلی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

در همین خصوص، شمیسا در بررسی سبک‌شناختی متون ادبی، برای جمله اهمیت زیادی قائل شده و یادآوری کرده که در بررسی‌های سبک‌شناختی، به معانی و آن‌هم معانی ثانویه جملات توجه نشده است، حال آنکه معانی یکی از کارآمدترین علوم در بررسی ساختار و معنی کلام است (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۲۰).

فتوحی نیز در کتاب سبک‌شناسی، بیان داشته که ساخت اندیشه با نحو (جمله) پیوند آشکارتری دارد، چون کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، نوع جمله‌ها، وجه و زمان افعال جملات، همگی بیانگر نوع اندیشه‌اند، به طوری که می‌توان گفت کیفیات روحی و ذهنیات پنهان گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی می‌کند و از این رهگذر بهتر می‌توان ردپای سبک و اندیشه و دل‌سپردگی گوینده به موضوعات مختلف را دنبال کرد (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۷).

بر پایه این نظرها می‌توان گفت بررسی جمله‌ها از نظر نوع (خبری، امری، پرسشی و...) و آن‌گاه معانی ثانوی آنها، یکی از موضوعاتی است که می‌توان از طریق آن به بخش‌هایی از سبک و اندیشه شاعران و نویسندگان پی برد. بسامد بالای جملات خبری می‌تواند بیانگر ارتباط نزدیک گوینده با رخدادها باشد؛ همچنانکه بسامد بالای جملات امری می‌تواند نشان‌دهنده تلقی گوینده (جهت‌گیری و حالت گوینده) نسبت به اجرای یک عمل باشد و این موضوع قابل بررسی در اغلب متون ادب فارسی است.

پیشینه بحث درباره جملات امری و ارتباط آن با سبک شاعران در جهان اسلام، به جمعی از علمای بلاغت قدیم، از جمله جرجانی (وفات ۴۷۱ ه.ق)، سکاکی (وفات ۶۲۶

ه.ق) و تفتازانی (وفات ۷۹۲ ه.ق) می‌رسد؛ جرجانی، علم معانی را فن اغراض النحو یا اسرار النحو و علل النحو نامیده است (جرجانی، ۱۳۶۸: ۱۳۸-۲۴۰؛ همایی، ۱۳۷۴: ۱۴). در خارج از جهان اسلام هم لونگینوس در کتاب شکوه سخن از رابطه نحو (گزاره‌ها) و سبک بحث کرده است (لونگینوس، ۱۳۷۹: باب ۳۹). در روزگار ما نیز بسیاری از نویسندگان کتاب‌های سبک‌شناسی در این باره صحبت کرده‌اند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۷-۳۰۲). بنابراین مبانی نظری چنین پژوهش‌هایی از کتاب‌های معانی و سبک‌شناسی تأمین می‌شود.

در همین باره، کاردانی و مالمیر در مقاله «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی» به نوزده غرض ثانویه از جملات امری در قصاید خاقانی دست پیدا کرده و توانسته‌اند بین جملات امری و ذهن و زبان خاقانی ارتباط برقرار کنند (کاردانی و مالمیر، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۵۲). ماهیار و افضل‌راد نیز در مقاله «بررسی اغراض ثانویه جملات امری در غزلیات سعدی» جملات امری سعدی را بر اساس اغراض ثانویه بررسی کرده‌اند (ماهیار و افضل‌راد، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۳۶).

از آنجا که بسامد انواع جمله؛ به‌ویژه جملات امری در غزلیات حافظ با ملاحظات سبک‌شناختی به صورت علمی مورد بررسی قرار نگرفته و به تبع آن، نگاه حافظ به مقوله امر به‌خوبی تبیین نشده است، نگارنده بر آن شده تا در قالب این مقاله، با طرح پرسش‌های زیر، گزاره‌های امری حافظ را بررسی کند:

الف) بسامد جملات امری در غزلیات حافظ چگونه است؟

ب) در گزاره‌های امری حافظ، بسامد کدام یک از معانی یا اغراض ثانویه بیشتر است؟

ج) چه ارتباطی بین آن بسامدها و سبک حافظ وجود دارد و حافظ از این امکان (ساخت جملات امری) چه استفاده‌ای کرده است؟

با این توضیح که این فرض درباره حافظ وجود دارد که او همواره نصیحت یا امر دیگران را دست‌کم گرفته و یا مسخره کرده است و جالب این‌که انتظار داشته تا دیگران از او نصیحت‌شنوی داشته باشند (خرمشاهی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۳-۵۸۴؛ حمیدیان، ۱۳۹۵: ج ۱: ۶۴۶-۶۴۷). وانگهی چون این مقاله به دنبال بررسی معناشناسی یا معانی ثانویه جملات امری است و قصد دارد این نوع از جملات را از نظر کاربرد و معنا بررسی کند، هم در

حوزه تأثیر کلام (زبان‌شناسی کاربردی) قرار می‌گیرد و هم در حوزه علم معانی؛ یعنی دانشی که از اغراض ثانویه جملات بحث می‌کند.

پیشینه تحقیق

متأسفانه درباره اغراض ثانویه گزاره‌های امری در غزلیات حافظ و آن‌گاه ارتباط آن با سبک شخصی حافظ، پژوهش خاصی صورت نگرفته و در این باره تنها می‌توان به مقاله «ساخت رابطه تعلیلی- استنتاجی جملات در ابیات شعر حافظ» از گلی و محمدی اشاره کرد که نویسندگان در آن مقاله، ضمن برشمردن برخی از ساخت‌های جمله در شعر حافظ، دو نوع از جملات امری حافظ را (جملات امری با وابسته تعلیلی یا استنتاجی) بررسی کرده (گلی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۲۱). و در نهایت خواسته‌اند بین این ساخت و سبک حافظ ارتباطی برقرار کنند، اما شاید قلت حجم نمونه ایشان (۵۰ غزل از حافظ) و عدم گنجایی مقاله باعث شده که نتوانند به نتایج سبکی حاصل از این موضوع، به خوبی دست پیدا کنند. رحیمیان و شکری احمدآبادی در مقاله «نقش‌های معنایی- منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ» با تکیه بر ۳۶۶ بیت از ابیات حافظ، بیست‌غرض ثانویه جملات پرسشی را پیدا کرده‌اند (رحیمیان و شکری احمدآبادی، ۱۳۸۱: ۱۷-۳۴). وانگهی این موضوع درباره برخی از شاعران صورت گرفته و چنان‌که گفته شد مقاله «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی» (کاردانی و مال میر، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۵۲) و «بررسی اغراض ثانویه جملات امری در غزلیات سعدی» (ماهیار و افضل‌راد، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۳۶) در همین باره نوشته شده‌اند.

روش تحقیق

این مقاله از نظر ماهیت، بنیادی است. اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای فراهم شده، اما روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی- تحلیلی است. در بررسی اغراض ثانویه جملات امری، کتب بلاغی قدیم و جدید ملاک عمل بوده و در بررسی ارتباط بین جملات امری و سبک شخصی حافظ، از مباحث سبک‌شناختی جمله در کتاب‌های بلاغی نظیر دلائل الاعجاز جرجانی و سبک‌شناسی‌ها استفاده شده است. به این ترتیب

که ابتدا جملات امری ۲۵۰ غزل نخست دیوان حافظ (نسخه غنی- قزوینی) استخراج شده و آن‌گاه آن جملات بر اساس اغراض ثانویه دسته‌بندی شده و در هر دسته نیز غالباً «گوینده»، «مخاطب» و «نوع طلب» پیش چشم بوده و در نهایت سعی شده بین این نتایج و سبک حافظ ارتباطی یافته شود.

شروع بحث

چنان‌که گفته شد در بررسی‌های سبک‌شناختی متون ادبی، بررسی جمله، اغراض ثانویه جملات و یافتن ارتباط بین جملات و سبک فردی شاعران اهمیت زیادی دارد. موضوع اغراض ثانویه جملات امری به علم معانی مربوط است و اصلاً به این دلیل به این علم، معانی می‌گویند که از معانی ثانویه جملات بحث می‌کند؛ مثلاً به جای اینکه بگوییم: «چه قدر برف باریده است»، می‌گوییم: «برف را ببین»؛ یعنی جمله امری را از معنای اولیه آن خارج کرده و در معنای ثانویه آن که اخبار همراه با شگفتی است، به کار می‌بریم (شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۶).

معمولاً در جهان اسلام، عبدالقاهر جرجانی (وفات ۴۷۱ ه.ق) را مؤسس علم معانی می‌دانند، اما به طور کلی، مباحثی از علم معانی در آثار قدما، همچون معانی القرآن فرآه (وفات ۲۰۷ ه.ق) و الصناعتین ابوهلال عسکری (وفات ۳۹۵ ه.ق) دیده می‌شود. جرجانی در دلایل‌الاعجاز، فصولی را به مباحثی از علم معانی، از جمله تقدیم و تأخیر در کلام، حصر و قصر، فصل و وصل اختصاص داده و به طور خاص، مزیت نظم را به سبب اغراض و مقاصد می‌داند که کلام به لحاظ آنها منظم می‌گردد (جرجانی، ۱۳۶۸: ۱۴۰). سکاکی (وفات ۶۲۶ ه.ق) نیز در قسم سوم از کتاب مفتاح‌العلوم موضوعاتی از علم معانی را از جمله احوال مسندالیه، مسند، فصل و وصل، ایجاز و اطناب، قصر، طلب و امر مطرح کرده و در باب سوم از این کتاب، از معانی ثانوی جملات امری، مانند دعا، التماس، ندب، اباحه و تهدید سخن گفته است (سکاکی، ۱۳۱۷: ۱۷۱). تفتازانی (وفات ۷۹۲ ه.ق) نیز در مطول دربارهٔ نه غرض از اغراض ثانوی جملات امری بحث کرده است (تفتازانی، ۱۴۱۶: ۲۳۹-۲۴۱).

از آنجا که اغلب کتب بلاغی قدیم، به ویژه کتب معانی با توجه به زبان و ادبیات عرب نوشته شده و از نکات بلاغی زبان فارسی خالی‌اند، علمای متأخر بلاغت کوشیده‌اند

تا با تکیه بر آن مباحث، فصول علم معانی را با توجه به زبان و ادبیات فارسی بررسی کنند. ثمرهٔ این بررسی، کتب معانی جدید است؛ کتبی که یکی از فصول اصلی آنها، اغراض ثانویهٔ جملات امری است. از این دسته از کتاب‌ها، می‌توان به کتاب معانی و بیان علامه همایی اشاره کرد. همایی برای جملات امری، یازده غرض (دعا، التماس، ارشاد، اباحه، تمنا، تهدید، تخییر، تسویه، تعجیز، اهانت و تحقیر) برشمرده است (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۱-۱۰۵). عبدالحسین ناشر در دررالادب، برای جملات امری، چهارده معنی مجازی (دعا، التماس، ارشاد، تهدید، تسویه، اکرام، اهانت، تمنا، اعتبار، اذن، تخییر، تأدیب و تعجب) ذکر کرده است (ناشر، بی‌تا: ۳۱-۳۴). شمیسا برای جملات امری، سیزده معنی ثانوی زیر را بررسی کرده است:

عبرت، دعا، تمنا (تقاضا و آرزو)، ارشاد (ترغیب و تشویق)، تهدید (تحدیر)، تعجیز، تعریض، تسویه (تخییر)، اذن (اجازه)، تعجب، استهزا (تحقیر)، استرحام و نهی برشمرده و در جملات نهی، مقاصد ثانوی دعا، ارشاد، توبیخ، تهدید و تحدیر، تشویق و امر را بررسی کرده است (شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۴۹-۱۵۵).

کاردانی و مالمیر در جملات امری خاقانی، نوزده کارکرد ثانویه یافته‌اند (کاردانی و مالمیر، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۲۳). ماهیار و افضل‌راد در جملات امری غزلیات سعدی، ۳۲ غرض ثانوی از جمله تمنا، ارشاد، استرحام، تشویق، اظهار دردمندی، التماس، حسرت، بی‌اعتنایی، مبالغه، ملامت، هشدار، اظهار شادی، تکریم مخاطب، اظهار ملال، شکوه، طنز، تواضع، تسلیم، تهدید، تخییر، اظهار مخالفت، تحقیر، تعجب، اجازه، بیان عجز خود، نهی، دعا، تفاخر، خبر، تأکید، تسویه و تعجیز یافته‌اند (ماهیاری و افضل‌راد، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۳۶).

در این مقاله، در جملات امری غزلیات حافظ، ۲۳ غرض ثانویه یافته شده که دوازده غرض مربوط به جملات امری مثبت عبارت‌اند از: خواهش و تمنا، ارشاد و راهنمایی، دعا، تشویق و ترغیب، تعجب، تعجیز، تسویه (تخییر) و اباحه، تهدید، تحقیر و استهزا، استرحام، اذن و اجازه، امر غیرمستقیم. یازده غرض هم مربوط به جملات امری منفی (نهی) است: خواهش و تمنا، ارشاد و راهنمایی، دعا، بیان عاقبت، تهدید، توبیخ، ملامت و تحدیر، ناامیدی، تحقیر کردن، اطمینان دادن و استیناس، اظهار کراهت، امر منفی غیرمستقیم.

با این توضیح که در مجموع ۲۵۰ غزل حافظ که معادل ۲۰۹۸ بیت است، در ۵۵۴ بیت، جملهٔ امری مثبت و در ۱۷۰ بیت جملهٔ امری منفی (نهی) وجود دارد؛ به عبارت

دیگر، در ۳۵ درصد از ابیات دیوان حافظ (۲۵۰ غزل نخست) جملات امری وجود دارد، اما اینکه حافظ به کدام نوع از جملات امری توجه داشته و یا اینکه مقصود وی از ارائه و بیان این حجم از جملات امری چه بوده، پرسش‌هایی هستند که پاسخ‌دادن به آنها در گرو بررسی معنایی ثانوی جملات امری اوست. به همین منظور، جملات امری مثبت و منفی حافظ با توجه به معانی و اهداف مدّتظر شاعر مورد بررسی قرار گرفتند می‌گیرند.

الف) جملات امری مثبت

جملات امری حافظ در معنای خواهش و تمنا

از مجموع ۵۵۴ بیت دارای جملات امری مثبت، در ۲۴۰ بیت، امر در معنای خواهش و تمنا به کار رفته است؛ به عبارت دیگر، در ۴۴ درصد از جملات امری به‌دست‌آمده، معنای ثانوی، خواهش و تمناست. با این توضیح که معنی خواهش و تمنا وقتی از جملات امری دریافت می‌شود که مخاطب در سطح بالاتری از گوینده قرار دارد و گوینده به طریق خواهش و تمنا از او می‌خواهد کاری را انجام دهد؛ البته برخی از پژوهشگران معتقدند این معنی وقتی از جملات امری استنباط می‌شود که مقام گوینده و شنونده (مخاطب) مساوی باشد (شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۴۹؛ همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۱). در هر صورت حافظ در بیشتر جملات امری، معنی خواهش و تمنا را در نظر داشته است، چنانکه در ابیات زیر ملاحظه می‌شود:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

(غزل ۱، ب ۱)

عید است و آخر گل و یاران در انتظار ساقی به روی شاه ببین ماه و می بیار

(غزل ۲۴۶، ب ۱)

موارد دیگر: غزل ۴، ب ۱؛ غزل ۵، ب ۱۳؛ غزل ۸، ب ۱؛ غزل ۷، ب ۸؛ غزل ۹، ب ۲؛ غزل ۱۱، ب ۱؛ غزل ۱۲، ب ۱۱؛ غزل ۲۲، ب ۴؛ غزل ۲۳، ب ۵؛ غزل ۲۹، ب ۴؛ غزل ۳۳، ب ۱۰؛ غزل ۴۰، ب ۹؛ غزل ۴۲، ب ۵؛ غزل ۶۰، ب ۷؛ غزل ۶۲، ب ۱؛ غزل ۷۸، ب ۵؛ غزل ۸۱، ب ۷؛ غزل ۸۴، ب ۱؛ غزل ۸۶، ب ۱؛ غزل ۹۰، ب ۹؛ غزل ۱۱۰، ب ۲؛ غزل ۱۲۰، ب ۸؛ غزل ۱۲۱، ب ۸؛ غزل ۱۲۵، ب ۳؛ غزل ۱۲۷، ب ۶؛ غزل ۱۳۳، ب ۳؛ غزل ۱۳۸، ب ۸؛ غزل ۱۴۱، ب ۵؛ غزل ۱۴۹، ب ۲؛ غزل ۱۵۳، ب ۱۳؛ غزل ۱۵۴،

ب ۱۰؛ غزل ۱۶۴، ب ۸؛ غزل ۱۶۹، ب ۹؛ غزل ۱۷۱، ب ۴ (امر به خرقه)؛ غزل ۱۷۶، ب ۶؛ غزل ۱۸۶، ب ۲؛ غزل ۱۹۵، ب ۷؛ غزل ۲۱۳، ب ۸؛ غزل ۲۲۶، ب ۵؛ غزل ۲۴۱، ب ۱؛ غزل ۲۴۳، ب ۲؛ غزل ۲۴۶، ب ۱ و...

اما ملاحظات سبک‌شناسی نشان می‌دهد که:

الف) حافظ در ۹۶ بیت از ۲۴۰ جمله امری مفید معنای خواهش و تمنا، گزاره امری را با تعلیل، دلیل و توجیه همراه نموده است؛ به عبارت دیگر، حافظ پس از بیان امر، علت و دلیل آن امر را نیز آورده تا مخاطب را به نوعی اقناع کند و این یکی از ویژگی‌های سبک‌شناختی جملات امری حافظ است که مثلاً سعدی کمتر از آن استفاده کرده است (گلی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۲۱؛ پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

امر همراه با دلیل، مخاطب را قانع و با گوینده همراه می‌کند؛ البته برخی از علل و دلایلی که حافظ برای اوامر خود آورده، شاعرانه و هنری‌اند و با منطق عقلی سازگاری چندانی ندارند، اما هنر حافظ در این موارد نیز آشکار است. وقتی حافظ می‌گوید: «بده ساقی می‌باقی» و پس از آن می‌گوید: «که در جنت نخواهی یافت/کنار آب رکناباد و گلگشت مصلاً را» درست است که دلیل حافظ، شاعرانه و هنری است، اما همین دلیل‌های هنری و بعضاً متناقض‌نماست که حافظ را از امثال سعدی و سلمان ساوجی متفاوت کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۷، ج ۳: ۳۶۰). نمونه‌های دیگری از این نوع امر توأم

با دلیل، در ابیات زیر دیده می‌شود: *ماجرای کم کن و باز آ که مرا مردم چشم خرقه از سر به‌در آورد و به شکرانه بسوخت*

(غزل ۱۷، ب ۷)

خدا را داد من بستان از او ای شحنة مجلس که می با دیگری خوردست و با من سر گران دارد

(غزل ۱۲۰، ب ۸)

برکش ای مرغ سحر نغمه داودی باز که سلیمان گل از باد هوا باز آمد

(غزل ۱۷۴، ب ۲)

موارد دیگر: غزل ۲۹، ب ۴؛ غزل ۳۴، ب ۴؛ غزل ۴۲، ب ۵؛ غزل ۵۲، ب ۳؛ غزل ۵۴، ب ۶؛ غزل ۶۶، ب ۳؛ غزل ۷۷، ب ۵؛ غزل ۸۴، ب ۱؛ غزل ۱۲۰، ب ۹؛ غزل ۱۲۳، ب ۴؛ غزل ۱۲۶، ب ۴؛ غزل ۱۲۷، ب ۷؛ غزل ۱۴۱، ب ۵؛ غزل ۱۴۷، ب ۵؛ غزل ۱۶۷،

ب ۷؛ غزل ۱۷۵، ب ۷؛ غزل ۱۷۶، ب ۳؛ غزل ۱۸۸، ب ۲؛ غزل ۱۹۵، ب ۷؛ غزل ۱۹۹،
ب ۷؛ غزل ۲۰۳، ب ۳؛ غزل ۲۰۵، ب ۳؛ غزل ۲۱۲، ب ۴؛ غزل ۲۱۶، ب ۶؛ غزل ۲۳۹،
ب ۸؛ غزل ۲۴۵، ب ۴ و

ب) مخاطبان حافظ در گزاره‌های امری تمنایی به ترتیب بسامد عبارت‌اند از: معشوق (جانان، پادشاه حسن)، ساقی، صبا، مطرب، شاه (ممدوح)، خودِ حافظ، دل، دیده، شیخ، زاهد، خواجه، بلبل، خرقة، ساروان و...؛ این موضوع نشان می‌دهد که مخاطب در جملات امری حافظ، متنوع و متعدد است و احتمالاً به همین دلیل است که اشخاص و طبقات گوناگون با دیوان حافظ مأنوس‌اند؛ البته از ۲۴۰ جمله امری تمنایی، در بیش از ۳۰ جمله، مخاطب، مبهم است؛ به عبارت دیگر، حافظ امر را به گونه‌ای سامان داده که هر کسی (در هر زمانی و مکانی) بتواند خود را مخاطب او بپندارد:

در طریقت رنجش خاطر نباشد می بیار هر کدورت را که ببینی چون صفایی رفت رفت

(غزل ۸۳، ب ۳)

بیار باده که در بارگاه استغنا چه پاسبان و چه سلطان چه هوشیار و چه مست

(غزل ۲۵، ب ۳)

بر سر تربت ما چون گذری همت‌خواه که زیارت‌گه رندان جهان خواهد بود

(غزل ۲۰۵، ب ۳)

موارد دیگر: غزل ۲۹، ب ۷؛ غزل ۴۸، ب ۸؛ غزل ۷۷، ب ۵؛ غزل ۹۴، ب ۱؛ غزل ۱۱۴، ب ۷؛

غزل ۱۲۰، ب ۶؛ غزل ۱۸۸، ب ۲؛ غزل ۱۹۱، ب ۵؛ غزل ۲۰۲، ب ۳؛ غزل ۲۱۹، ب ۵ و

ج) حافظ خود یکی از مصادیق اطاعت‌کنندگان امری است که به مخاطبان خود تجویز می‌کند (پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۱۸۷). و از همین روی در بیش از ۱۰ بیت، خود را مخاطب جملات امری قرار داده است:

غزل گفתי و دُر سفتی بیا و خوش بخوان حافظ که بر نظم تو افشانند فلک عقد ثریا را

(غزل ۳، ب ۹)

حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود با مدعی نزاع و محاکا چه حاجت است

(غزل ۳۳، ب ۱۰)

حافظ اسرار الهی کس نمی‌داند خموش از که می‌پرسی که دور روزگاران را چه شد

(غزل ۱۶۹، ب ۹)

آلوده‌ای تو حافظ فیضی ز شاه درخواه کان عنصر سماحت بهر طهارت آمد

(غزل ۱۷۱، ب ۸)

حافظا باز نما قصهٔ خونابهٔ چشم که بر این چشمه همان آب روان است که بود

(غزل ۲۱۳، ب ۸)

در این ابیات که نوعی گفتار درونی یا سخن گفتن با خود تلقی می‌شود، هر فردی می‌تواند خود را به جای حافظ قرار دهد.

(د) حافظ در ابیاتی، غیر ذوی‌العقول (باد صبا، خرقة، بلبل و مرغ سحر) را به گونه‌ای استعاری مخاطب قرار داده و به طریق امر از آنها، طلب کاری را خواسته است:

ای صبا نکه‌تی از کوی فلانی به من آر زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر

(غزل ۲۴۸، ب ۱)

صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی ز روی لطف بگوش که جا ننگه دارد

(غزل ۱۲۲، ب ۵)

موارد دیگر: غزل ۴، ب ۱؛ غزل ۹، ب ۲؛ غزل ۱۱، ب ۵؛ غزل ۱۲، ب ۱۱؛ غزل ۷، ب ۸؛

غزل ۴۲، ب ۵؛ غزل ۱۲۱، ب ۸؛ غزل ۲۴۲، ب ۱.

(ه) موضوع طلب و خواهش در این ابیات به ترتیب فراوانی متعلق است به باده و متعلقات آن،

خوش‌خوانی و خواندن، بندگی‌رساندن، غنیمت‌شمردن فرصت بهار و عمر (غزل ۲۹، ب ۷)،

معامله کردن و دل شکستهٔ حافظ را خریدن (غزل ۲۸، ب ۳)، گوش به نوای سبب زنخدان یار

دادن (غزل ۲۳، ب ۳)، سرگشتگی دل غمزدهٔ حافظ را از گیسوی یار پرسیدن (غزل ۱۹، ب ۶)،

ماجرا کم کردن و بازگشتن (غزل ۱۷، ب ۷)، به نور باده برافروختن جام حافظ (غزل ۱۱، ب ۱)،

ختم کردن نزع و محاکا (غزل ۳۳، ب ۱۰)، علاج ضعف دل حافظ به لب حوالت کردن (غزل ۳۴،

ب ۴)، سوز دل حافظ را از شمع پرسیدن (غزل ۴۰، ب ۹)، قضا کردن وقت عزیز (غزل ۸۴، ب ۲)،

در خرقة آتش زدن (غزل ۸۹، ب ۷)، با درد صبر کردن (غزل ۹۰، ب ۹)، احوال گنج قارون را در

گوش دل فروخواندن (غزل ۱۲۶، ب ۷)، محترم‌داشتن دل حافظ (غزل ۱۲۳، ب ۴)، آستین به

خون جگر شستن (غزل ۱۲۷، ب ۸) پرده گرداندن (غزل ۱۳۸، ب ۸) عرق معشوق را پاک کردن

(غزل ۱۴۲، ب ۲)، دوام عمر و مُلک شاه را خواستن (غزل ۱۵۳، ب ۱۳)، راهی زدن و شعری

خواندن (غزل ۱۵۴، ب ۱)، از شید و زرق باز آمدن (غزل ۱۵۴، ب ۱۰)، حافظ را بخشیدن (غزل ۱۶۵، ب ۴)، از گفته حافظ غزلی نغز خواندن (غزل ۱۷۳، ب ۸)، برقع گشودن (غزل ۱۸۱، ب ۲)، به جام عدل باده دادن (غزل ۱۸۶، ب ۲)، دفتر دانش را به می شستن (غزل ۲۰۳، ب ۳)، کشته غمزه خود را دریافتن (غزل ۲۱۳، ب ۵)، گره از زلف یار گشودن (غزل ۲۴۴، ب ۱) حال اهل درد را شنیدن (غزل ۲۴۵، ب ۸) و

نگاهی بر این ابیات نشان می‌دهد که حافظ از مخاطبان خود هم طلب‌های مادی داشته و هم طلب‌های معنوی؛ به عبارت دیگر، در جملات امری تمنیایی حافظ، با طیف رنگارنگی از طلب‌ها و تمناها روبه‌رو هستیم و همچنان که نمی‌توان شعر حافظ را در چند موضوع، محدود کرد، جملات امری او را هم نمی‌توان در چند مضمون خلاصه کرد، اما در هر صورت، غلبه با جملات امری‌ای است که در آنها به دوری از تظاهر و ریا، خوش‌باشی و غنیمت‌شمردن عمر، مدارا و نرمی توصیه شده است؛ البته بخش عمده‌ای از خواهش‌های حافظ، به گونه هنری و شاعرانه بیان شده‌اند؛ وقتی حافظ می‌گوید:

علاج ضعف دل ما به لب حوالت کن که این مفرح یاقوت در خزانه توست
(غزل ۱۴۵، ب ۶)

او خواهان وصال است، اما این طلب را به گونه‌ای هنری بیان کرده است. موارد دیگر از این نوع جملات امری عبارت‌اند از: غزل ۲۸، ب ۳؛ غزل ۲۹، ب ۴؛ غزل ۹۱، ب ۳؛ غزل ۱۱۵، ب ۶؛ غزل ۱۲۵، ب ۳.

و) در برخی از این جملات، امر و نهی همراه با هم آمده‌اند: غزل ۱۷۶، ب ۶؛ غزل ۱۸۱، ب ۵. در ابیاتی نیز امر با قسم همراه شده است: غزل ۱۲، ب ۱۳؛ غزل ۱۲۰، ب ۹؛ غزل ۱۴۹، ب ۲؛ غزل ۲۴۹، ب ۴.

ز) در بخش مورد بررسی با نوعی از جملات امری روبه‌رو می‌شویم که از فعل امر «گو»، به‌اضافه بن مضارع ساخته شده‌اند؛ مثال:

ما را ز خیال تو چه پروای شراب است خم گو سر خود گیر که خمخانه خراب است
(غزل ۲۹، ب ۱)

زینیمی معتقد است که امر حاضر در این جمله‌ها به امر غایب تأویل می‌شود و مثلاً از بیت بالا، مفهوم امر دریافت نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، مصراع دوم بیت بالا به صورت «خم باید سر

خود را بگیرد که خمخانه خراب است» معنی می‌شود (زینیمی، ۱۳۶۹: ۳۹۱-۴۱۵)
موارد دیگر: ۳۸، ب ۷؛ ۴۶، ب ۲؛ ۵۲، ب ۶؛ ۷۶، ب ۴؛ ۸۳، ب ۷، ۹۲، ب ۳؛ ۹۲، ب ۴؛
۱۲۵، ب ۱۰؛ ۱۲۷، ب ۸؛ ۱۶۰، ب ۴؛ ۱۶۶، ب ۴؛ ۱۸۱، ب ۴؛ ۲۴۲، ب ۶؛ ۲۵۰ ابیات ۱، ۲، ۴
و ۵؛ البته در مواردی این ساخت نشان‌دهنده تسلیم‌گوینده و اهمیّت‌ندادن او به موضوع است:
هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو کبر و ناز و حاجب و دربان بدین درگاه نیست
(غزل ۷۱، ب ۷)

یعنی هر که می‌خواهد بیابید و هر چه می‌خواهد بگوید...
همت عالی طلب، جام مرصع گو مباش رند را آب عنب یاقوت رمّانی بود
(غزل ۲۱۸، ب ۵)

یعنی جام مرصع نباشد که نباشد...
ح) برخی از جملات امری حافظ با فعل «بیا» شروع می‌شوند که در این جملات عمدتاً فعل
دیگری نیز در تقدیر است:
بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است بیار باده که بنیاد عمر بر باد است
(غزل ۳۷، ب ۱)

به عبارت دیگر، در بیت بالا، بعد از «بیا» افعالی نظیر «قبول کن»، «بدان» و... حذف شده است.
خرمشاهی درباره فعل «بیا» در این جملات معتقد است که معنای «بیا» در این جملات آمیزه‌ای
از تشویق و موافقت‌طبی است برابر با «بیا و ببین»، «بیا و بپذیر»، «بیا و ملاحظه کن»، «بیا و قبول
کن» و «بیا و با من همدل و همراه باش» (خرمشاهی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۴۵-۲۴۶).

موارد دیگر عبارت‌اند از: غزل ۷، ب ۱؛ غزل ۴۱، ب ۷؛ غزل ۱۳۱، ب ۱؛ غزل ۱۳۱، ب ۴؛
غزل ۱۴۴، ب ۸؛ غزل ۲۴۲، ب ۱؛ البته در مواردی «بیا» به معنی «بیا و دست بردار/ بیا و گذشته
را رها کن» است، (نوریان، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۴۸۳) چنانکه در بیت زیر ملاحظه می‌شود:
بیا با ما مورز این کینه‌داری که حق صحبت دیرینه داری
(غزل ۴۴۷، ب ۱)

جملات امری در معنای ارشاد و راهنمایی

این معنی وقتی از جملات امری دریافت می‌شود که گوینده خود را آگاه‌تر از مخاطب

می‌داند و می‌خواهد با بیان یک جمله امری او را از موضوعی آگاه کند یا برای انجام دادن کاری او را راهنمایی نماید (تجلیل، ۱۳۷۶: ۲۲). در بخش مورد بررسی از دیوان حافظ (از مجموع ۵۵۴ بیت) در ۱۳۶ بیت (حدود ۲۴ درصد ابیات) امر به معنای ارشاد و راهنمایی است. جزئیات این بررسی به شرح زیر است:

الف) از این ۱۳۶ بیت، در ۹۲ بیت، امر ارشادی با دلیل و برهان همراه است؛ به عبارت دیگر در این جملات، حافظ، راهنمایی و ارشاد خود را با دلیل و علت همراه کرده است تا مخاطب در پذیرش اوامر او رغبت بیشتری داشته باشد. نمونه‌هایی از این امر را در ابیات زیر می‌توان دید:

حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کم‌تر جو که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معمارا
(غزل ۳، ب ۸)

رضا به داده بده وز جبین گره بگشای که بر من و تو در اختیار نگشادست
(غزل ۳۷، ب ۸)

در آستین مرقع پیاله پنهان کن که همچو چشم صراحی زمانه خون‌ریز است
(غزل ۴۱، ب ۳)

چو حافظ در قناعت‌کوش وز دنیای دون بگذر که یک جو منت دونان دو صد من زر نمی‌ارزد
(غزل ۱۵۱، ب ۷)

موارد دیگر: غزل ۱، ب ۴؛ غزل ۳، ب ۷؛ غزل ۵، ب ۹؛ غزل ۷، ب ۳؛ غزل ۲۸، ب ۶؛ غزل ۴۱، ب ۲؛ غزل ۴۵، ب ۲؛ غزل ۷۵، ب ۷؛ غزل ۷۲، ب ۶؛ غزل ۷۹، ب ۴؛ ۱۰۱، ب ۲؛ غزل ۱۰۱، ب ۴؛ غزل ۱۱۵، ب ۱؛ غزل ۱۲۱، ب ۶؛ غزل ۱۵۵، ب ۷؛ غزل ۱۶۲، ب ۲؛ غزل ۱۶۲، ب ۶؛ غزل ۱۷۹، ب ۶؛ غزل ۱۸۲، ب ۵؛ غزل ۱۸۴، ب ۴؛ غزل ۱۸۷، ب ۲؛ غزل ۱۹۹، ب ۵؛ غزل ۲۰۰، ب ۱؛ غزل ۲۳۹، ب ۵.

ب) از این تعداد (۱۳۶ بیت امری ارشادی) در ۱۷ بیت مخاطب فعل امر، خود حافظ است، اما به جای حافظ، هر کسی می‌تواند خود را مخاطب قلمداد کند:

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود
(غزل ۲۰۸، ب ۸)

حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر مکن چون دگران قرآن را
(غزل ۹، ب ۱۰)

موارد دیگر: غزل ۱۷، ب ۸؛ غزل ۱۸، ب ۷؛ غزل ۴۴، ب ۷؛ غزل ۵۳، ب ۷؛ غزل ۶۲، ب ۸؛ غزل

۷۸، ۷؛ غزل ۱۰۹، ۷؛ غزل ۱۲۸، ۱۰؛ غزل ۱۵۰، ۸؛ غزل ۱۵۵، ۷؛ غزل ۱۷۱، ۸؛
غزل ۲۲۱، ۸؛ غزل ۲۲۲، ۷؛ غزل ۲۲۶، ۱۰؛ غزل ۲۴۶، ۱۰؛ غزل ۲۵۰، ۹.

(ج) از مجموع ۱۳۶ بیت، در ۹ بیت امر و نهی توأم با هم‌اند:

به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش که نیستیست سرانجام هر کمال که هست
(غزل ۲۵، ۶)

در بزم دور یک دو قدح درکش و برو یعنی طمع مدار وصال دوام را
(غزل ۷، ۴)

به خط و خال گدایان مده خزینۀ دل به دست شاه‌وشی ده که محترم دارد
(غزل ۱۱۹، ۲)

(د) موضوع راهنمایی‌ها و ارشادهای حافظ در این ابیات به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: قدر وقت و فرصت را دانستن؛ در عیش نقد و خوش‌باشی کوشیدن؛ یار مردان خدا بودن و از دست‌ندادن دولت کشتی نوح؛ نیکی در حق دوستان نمودن؛ به داده رضایت دادن و گره از جبین گشادن؛ به صدق کوشیدن؛ به هست و نیست خود را نرنجاندن؛ با می عمارت دل کردن و در مستی و راستی کوشیدن؛ راز دهر نجستن؛ ادب داشتن؛ درخت دوستی نشاندن و نهال دشمنی برکندن؛ به عزت با رندان برخورد کردن؛ طریقت رندی را غنیمت شمردن؛ به عزم مرحله عشق کوشیدن؛ در کسب هنر کوشیدن؛ در قناعت کوشیدن و زیر بار منت دونان نرفتن؛ غم دنیا را نخوردن؛ تسلیم خدا بودن؛ از فکر تفرقه بازآمدن؛ به شکرانه سلامت در تفقد درویشان کوشیدن؛ عتاب یار را عاشقانه کشیدن؛ کار خود را با خدا سپردن؛ رندی آموختن و کرم کردن؛ طاعت استاد بردن و اوامری همچون در آستین مرقع پیاله پنهان کردن و پوشاندن اسرار که بعضاً مرتب با اوضاع زمانۀ حافظ است.

مروری بر این راهنمایی‌ها و اوامر نشان می‌دهد که حافظ به دنیا و نعمات آن، آن‌قدر توجه دارد که به آخرت و امور آن؛ حتی آنجا هم که می‌گوید کار خود را با خدا بسپارید در این اندیشه است که آدمی را از ناامیدی و یأس برهاند؛ البته در این اوامر، نصایح اخلاقی و اجتماعی جایگاه بالاتری دارند و چه بسا به دلیل وجود همین اوامر بوده که برخی حافظ را در مقام یک مصلح اجتماعی قرار داده‌اند (خرمشاهی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۱-۳۲).

جملات امری در معنای دعا

این معنی وقتی از جملات امری استنباط می‌شود که گوینده خود را فرودست و کهنتر می‌داند و

به طریق دعا از مخاطب که مهتر و بالادست است و درواقع حضرت باری تعالی است، درخواستی عاجزانه می‌نماید (صادقیان، ۱۳۷۱: ۹۳). از مجموع ۵۵۴ بیت امری حافظ، در ۹۷ بیت، امر در مفهوم دعاست. از این ۹۷ بیت، در چند بیت امر دعایی با دلیل و علت همراه است:

دولت فقر خدایا به من ارزانی دار کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است
(غزل ۵۲، ب ۵)

یارب این نودولتان را با خر خودشان نشان کاین همه ناز از غلام ترک و استر می‌کنند
(غزل ۱۹۹، ب ۴)

موارد دیگر: غزل ۲۴، ب ۶؛ غزل ۱۵۳، ب ۶؛ غزل ۱۹۰، ب ۴؛ غزل ۲۲۷، ب ۶؛ غزل ۲۴۵، ب ۹؛ غزل ۲۴۵، ب ۱۲؛ غزل ۲۴۶، ب ۵؛ غزل ۲۵۰، ب ۸ و

در این ۹۷ بیت، در ۶۷ جمله امری دعایی، فعل جمله، «باد» و در ۲۰ جمله، فعل «یاد باد» است که نوعی یادکرد از گذشته است. در موارد دیگر افعالی مانند «مرواد»، «مرساد»، «یارب سببی ساز»، «یارب نگاه دار» و... به کار رفته است.

مضمون دعا‌های حافظ عمدتاً عبارت‌انداز: درخواست طول عمر برای معشوق و ساقی و ممدوح؛ درخواست دوری چشم بد از روی یار؛ درخواست دولت فقر؛ بازآمدن یار به سلامت؛ خوش‌وقتی؛ ذکر خیر؛ شادی روان ناصح؛ سالم ماندن دل و دین حافظ؛ شراب بی‌خمار؛ سلامت قاصد منزل سلمی؛ ماندگاری دولت پیر مغان؛ دوری اندیشه بیداد از خاطر یار؛ نگاه‌دارای شاه منصور از آفات زمان و...؛ البته بخشی از دعا‌های حافظ، نفرین‌گونه‌اند؛ چنانکه در ابیات زیر ملاحظه می‌شود:

قَدِّ هَمِّهِ دَلْبَرَانِ عَالَمِ پِیشِ الفِ قَدْتِ چو نون باد
(غزل ۱۰۷، ب ۷)

دلی کاو عاشق رویت نباشد همیشه غرقه در خون جگر باد
(غزل ۱۰۴، ب ۴)

جملات امری در معنای تشویق و ترغیب

اغلب جملات امری‌ای که مفید معنای ارشاد و راهنمایی‌اند، متضمن معنای تشویق و ترغیب هم هستند و شاید به همین دلیل باشد که شمیسا معنای تشویق و ترغیب را در کنار ارشاد و راهنمایی آورده است (شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۵۰). به هر ترتیب حافظ در ۹ بیت امر را به گونه‌ای مؤکد

در معنای تشویق و ترغیب آورده است:

می‌وزد از چمن نسیم بهشت هان بنوشید دم به دم می ناب

(غزل ۱۳، ب ۳)

بنوش جام صبحی به نالهٔ دف و چنگ ببوس غبغب ساقی به نغمهٔ نی و عود

(غزل ۲۱۹، ب ۲)

ز دست شاهد نازک عذار عیسی‌دم شراب نوش و رها کن حدیث عاد و ثمود

(غزل ۲۱۹، ب ۵)

البته چنانکه گفته شد، حافظ در ۷ بیت، «بیا» را در معنای تشویق و موافقت‌طلبی آورده است.

جملات امری در معنای تعجب

معنای تعجب وقتی از جملات امری استنباط می‌شود که گوینده بخواهد در قالب یک جملهٔ

امری، تعجب و شگفتی خود را از دیدن موضوع یا روی‌دادن کاری بیان کند (شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

معمولاً جملات امری تعجبی با فعل «بین» همراه‌اند. در دیوان حافظ و در بخش مورد بررسی از

مجموع ۵۵۴ بیت، در ۱۲ بیت فعل جملهٔ امری در معنای تعجب است:

اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود بین که جام زجاجی چه طرفه‌اش بشکست

(غزل ۲۵، ب ۲)

هر دمش با من دل سوخته لطفی دگر است این گدا بین که چه شایستهٔ انعام افتاد

(غزل ۱۱۱، ب ۱۰)

ز بنفشه تاب دارم که ز زلف او زند دم تو سیاه کم‌بها بین که چه در دماغ دارد

(غزل ۱۱۷، ب ۳)

موارد دیگر: غزل ۳۲، ب ۶؛ غزل ۴۲، ب ۲؛ غزل ۱۲۷، ب ۴؛ غزل ۱۳۹، ب ۴؛ غزل ۱۴۱، ب

۳؛ غزل ۱۷۴، ب ۷؛ غزل ۲۰۰، ب ۶؛ غزل ۲۰۳، ب ۲؛ غزل ۲۲۵، ب ۴؛ غزل ۲۲۹، ب ۴.

جملات امری در معنای تعجیز

اگر هدف گوینده از بیان جملهٔ امری نشان‌دادن عجز و ناتوانی مخاطب باشد، جملهٔ امری در

معنای تعجیز است. همایی می‌نویسد: «این نوع امر را در حماسه‌گویی و ادعا می‌آورند. مثل اینکه

به یکی بگویند: اگر می‌توانی یک شعر مثل سعدی بگو و مقصود این باشد که نمی‌توانی مثل

سعدی شعر بگویی» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۳). در بخش مورد بررسی از دیوان حافظ، در ۳ بیت، امر با

این معنا آمده است:

در کوی نیک‌نامی ما را گذر ندادند گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را

(غزل ۵، ب ۷)

هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد در خرابات بگویند که هشیار کجاست؟

(غزل ۱۹، ب ۳)

چو کحل بینش ما خاک آستان شماست کجا رویم بفرما از این جناب کجا؟

(غزل ۲، ب ۵)

البته در بیت آخر، به گونه‌ای هنری عجز گوینده هم نشان داده شده است.

جملات امری در معنای تسویه (تخییر) و اباحه

تسویه در اصلاح علم معانی به معنی مخیر کردن مخاطب بین دو یا چند امر است به گونه‌ای که ترک آن از نظر گوینده بدون اشکال باشد، اما در اباحه معمولاً ترجیح یک طرف بر طرف دیگر از نظر گوینده مهم است؛ البته همایی تخییر را به معنی واگذار کردن امر به خود شخص و تسویه را به معنای برابر شمردن دانسته است (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۲-۱۰۳). در بخش مورد بررسی از دیوان حافظ در یک بیت امر در معنای تسویه آمده است:

هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو کبر و ناز و حاجب و دربان بدین درگاه نیست

(غزل ۷۱، ب ۷)

جملات امری در معنای تهدید

این معنی وقتی از جملات امری دریافت می‌شود که گوینده بخواهد با بیان یک جمله امری، به مخاطب نسبت به انجام کاری هشدار بدهد و حتی او را تهدید کند که در صورت انجام آن کار چه عواقبی در انتظار او است. در بخش مورد بررسی از دیوان حافظ در ۴ بیت، گزاره امری با این معنا همراه است:

مژه سیاهت ار کرد به خون ما اشارت ز فریب او بیندیش و غلط مکن نگارا

(غزل ۶، ب ۳)

تیر آه ما ز گردون بگذرد حافظ خموش رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما

(غزل ۱۰، ب ۷)

پیوند عمر بسته به مویی است هوش دار غمخوار خویش باش غم روزگار چیست

(غزل ۶۵، ب ۳)

دور است سر آب از این بادیه هشدار تا غول بیابان نفریبد به سرایت
(غزل ۱۵، ب ۷)

جملات امری در معنای تحقیر و استهزا

در این جملات، هدف گوینده از بیان جمله امری، تحقیر کردن مخاطب است یا تسخرزدن به او. در بخش مورد بررسی از دیوان حافظ، در ۸ بیت، جمله امری در این معنا به کار رفته است: برو به کار خود ای واعظ این چه فریاد است مرا فتاد دل از ره تو را چه افتادست
(غزل ۳۵، ب ۱)

برو ای زاهد خودبین که ز چشم من و تو راز این پرده نهان است و نهان خواهد شد
(غزل ۲۰۵، ب ۴)

موارد دیگر: غزل ۲۶، ب ۵؛ غزل ۳۳، ب ۸؛ غزل ۶۵، ب ۶؛ غزل ۱۴۹، ب ۷؛ غزل ۱۹۵، ب ۵؛ غزل ۲۵۰، ب ۳.

جملات امری در معنای استرحام

در این گونه از جملات امری، هدف گوینده اظهار ضعف و ناتوانی خود است برای جلب رحم و عطوفت مخاطب. در بخش مورد بررسی از غزلیات حافظ، در ۱۰ بیت، جمله امری با این معنا همراه است:

ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است ببین که در طلبت حال مردمان چون است
(غزل ۵۴، ب ۱)

سوز دل بین که ز بس آتش اشکم دل شمع دوش بر من ز سر مهر چو پروانه بسوخت
(غزل ۱۷، ب ۳)

موارد دیگر: غزل ۵، ب ۲؛ غزل ۶۶، ب ۱؛ غزل ۶۷، ب ۱؛ غزل ۱۴۹، ب ۱۳؛ غزل ۱۵۷، ب ۴؛ غزل ۱۶۵، ب ۴؛ غزل ۲۱۷، ب ۶؛ غزل ۲۲۲، ب ۵.

جملات امری در معنای اذن و اجازه

این معنی وقتی از جملات امری دریافت می‌شود که گوینده با بیان جمله امری بخواهد اجازه انجام دادن کاری را به مخاطب بدهد. در بخش مورد بررسی، در یک بیت امر در این معنا آمده است: نشان عهد وفا نیست در تبسم گل بنال بلبل بیدل که جای فریاد است
(غزل ۳۷، ب ۱۰)

جملات با فعل امر غیرمستقیم

امر غیرمستقیم، روایت و نقل قولی از امر است؛ بنابراین می‌توان امرهای غیرمستقیم را نیز از نظر معنایی ثانویه مورد بررسی قرار داد. در بخش مورد بررسی از دیوان حافظ، در ۲۳ بیت، امر غیرمستقیم دیده می‌شود؛ مثلاً وقتی حافظ می‌گوید:

ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهیم رفت به خنده گفت که حافظ برو که پای تو بست
(غزل ۳۲، ب ۷)

جمله امری «حافظ برو که پای تو بست» امر غیرمستقیم است که در معنای تعجیز به کار رفته است.

موارد دیگر: غزل ۶، ب ۱؛ غزل ۱۴، ب ۱؛ غزل ۱۴، ب ۷؛ غزل ۵۰، ب ۴؛ غزل ۶۹، ب ۸؛ غزل ۸۱، ب ۱؛ غزل ۱۲۲، ب ۶؛ غزل ۱۲۳، ب ۸؛ غزل ۱۵۱، ب ۳؛ غزل ۱۷۶، ابیات ۱-۳؛ غزل ۱۷۹، ب ۵؛ غزل ۲۰۰، ب ۱؛ غزل ۲۱۱، ب ۸؛ غزل ۲۱۵، ب ۶؛ غزل ۲۳۱، ب ۲ و ۶ و ۸؛ غزل ۲۴۴، ب ۳ و ۶؛ غزل ۲۴۸، ب ۷.

ب) جملات امری منفی (نهی)

جملات امری منفی (نهی) در معنای خواهش و تمنا

فعل امر منفی را فعل نهی می‌گویند؛ به عبارت دیگر، فعل امری که در آن مفهوم نهی و بازداشتن وجود داشته باشد، فعل امری منفی یا نهی است (شریعت، ۱۳۷۵: ۸۵). در بررسی ۲۵۰ غزل از حافظ و از مجموع ۲۰۹۸ بیت، در ۱۷۰ بیت (حدود ۸ درصد)، فعل امر به صورت منفی (نهی) آمده است. از این تعداد در ۵۶ بیت، امر منفی مفید معنای خواهش و تمناست (حدود ۳۲ درصد) از این تعداد، در ۴۴ بیت، امر منفی با دلیل و برهان همراه است:

شیراز و آب رکنی و این باد خوش نسیم عیش مکن که خال رخ هفت کشور است
(غزل ۳۹، ب ۷)

با محتسبم عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
(غزل ۴۶، ب ۱۰)

موارد دیگر: غزل ۴۷، ب ۵؛ غزل ۴۹، ب ۱۰؛ غزل ۷۲، ب ۳؛ غزل ۷۹، ب ۷؛ غزل ۱۲۱، ب ۵؛ غزل ۶۹، ب ۵؛ غزل ۱۷۳، ب ۲؛ غزل ۲۲۴، ب ۶؛ وانگهی مخاطب در برخی از این ابیات، خود

حافظ و در بسیاری از ابیات، مبهم است و هر کسی می‌تواند خود را مخاطبِ حافظ قلمداد کند؛ البته در چند بیت نیز غیر ذوی‌العقول (صبا، گل، درویش و...) مخاطب اوامر حافظ واقع شده‌اند.

جملات امری منفی (نهی) در معنای ارشاد و راهنمایی

از مجموع ۱۷۰ جمله امری منفی در بخش مورد بررسی از غزلیات حافظ، در ۷۰ بیت (حدود ۴۱ درصد) از جمله امری منفی، مفهوم ارشاد و راهنمایی دریافت می‌شود؛ به عبارت دیگر، در این ابیات گوینده خود را از نظر آگاهی و مقام در سطح بالاتری از مخاطب می‌پندارد و بر آن است تا از طریق جملات امری او را راهنمایی و ارشاد کند. مثال:

به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست
(غزل ۲۵، ب ۸)

مرو به خانه ارباب بی‌مروت دهر که گنج عافیتت در سرای خویشان است
(غزل ۵۰، ب ۶)

موارد دیگر: غزل ۳۷، ب ۹؛ غزل ۴۱، ب ۱؛ غزل ۷۴، ب ۳؛ غزل ۷۶، ب ۶؛ غزل ۷۹، ب ۵؛ غزل ۸۸، ب ۹؛ غزل ۱۰۱، ب ۲؛ غزل ۱۲۰، ب ۷؛ غزل ۱۲۵، ب ۸؛ غزل ۱۲۸، ب ۸؛ غزل ۱۴۲، ب ۶؛ غزل ۱۵۰، ب ۷؛ غزل ۱۶۱، ب ۳؛ غزل ۱۶۸، ب ۶؛ غزل ۱۷۷، ب ۳؛ غزل ۱۸۵، ب ۴؛ غزل ۱۸۶، ب ۴؛ غزل ۲۰۱، ب ۸؛ غزل ۲۱۱، ب ۷؛ غزل ۲۲۴، ب ۵ و غزل ۲۳۹، ب ۴.

مضمون برخی از این جمله‌های حافظ عبارت است از: از جور و بیداد یار ننالیدن؛ غم جهان نخوردن؛ در پی آزار دیگران نبودن؛ در راه عاشقی از بدنامی نهراسیدن؛ از دشمن وفا طلب نکردن؛ از راز سپهر یاد نکردن؛ از انقلاب زمانه تعجب نکردن؛ در مقابل خرابات نشینان از کرامت لاف نزدن؛ افتادگی را از دست ندادن؛ بی‌می و مطرب ننشستن؛ از کار فروبسته شکوه نکردن؛ در کوی عشق بی دلیل راه قدم ننهادن؛ بر ثبات دهر اعتماد نکردن؛ هرزه‌گرد و هرجایی نبودن؛ از غصه و ناراحتی ننالیدن؛ به بانگ چنگ می‌نخوردن (که محتسب تیز است) و قدح را جز با ناله چنگ نگرفتن (غزل ۱۰۱، ب ۱۰) و...

جملات امری منفی (نهی) در معنای دعا

از مجموع ۱۷۰ جمله امری منفی حافظ، در ۱۹ بیت، جمله امری با معنای دعا همراه است: در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب یارب مباد آنکه گدا معتبر شود

(غزل ۲۲۶، ب ۷)

در میخانه بستند خدایا مپسند که در خانه تزویر و ریا بگشایند

(غزل ۲۰۲، ب ۶)

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد وجود نازکت آزرده گزند مباد

(غزل ۱۰۶، ب ۱)

موارد دیگر: غزل ۱۵، ب ۹؛ غزل ۵۶، ب ۶؛ غزل ۷۸، ب ۲؛ غزل ۹۳، ب ۹؛ غزل ۹۴، ب ۲؛

غزل ۱۰۶، ب ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷؛ غزل ۱۲۳، ب ۲؛ غزل ۱۶۰، ب ۳؛ غزل ۱۸۸، ب ۵؛ غزل

۱۹۵، ب ۹ و غزل ۲۴۵، ب ۱.

جملات امری منفی (نهی) در معنای بیان عاقبت

این معنی وقتی از جملات امری منفی دریافت می‌شود که گوینده بخواهد در قالب یک

جمله امری، مخاطب را از عاقبت یک کار آگاه کند (الهاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۱) در بخش مورد بررسی

از غزلیات حافظ، در ۵ بیت امر با این معنا همراه است:

ز مهربانی جانان طمع مبر حافظ که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند

(غزل ۱۷۹، ب ۹)

سود و زیان و مایه چو خواهد شدن ز دست از بهر این معامله غمگین مباش و شاد

(غزل ۱۰۰، ب ۳)

موارد دیگر: غزل ۲، ب ۶؛ غزل ۵۵، ب ۷ و غزل ۱۵۶، ب ۷.

جملات امری منفی (نهی) در معنای تهدید

در این گونه از جملات امری، گوینده با بیان جمله امری، مخاطب را تهدید می‌کند و به

گونه‌ای مؤکد او را از انجام کاری باز می‌دارد و می‌ترساند. در بخش بررسی شده از غزلیات حافظ،

در ۴ بیت، امر با این معنا آمده است:

با چشم پرنیرنگ او حافظ مکن آهنگ او کان طره شبرنگ او بسیار طرّاری کند

(غزل ۱۹۱، ب ۹)

سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد دلبر که در کف او موم است سنگ خارا

(غزل ۵، ب ۱۰)

موارد دیگر: غزل ۹۴، ب ۴ و غزل ۷۴، ب ۷.

جملات امری منفی (نهی) در معنای توبیخ، ملامت و تحذیر

توبیخ و ملامت معنای ثانویه جملات امری‌ای است که گوینده در آنها، مخاطب را به خاطر

انجام کاری ملامت و سرزنش می‌کند و او را از انجام کاری بر حذر می‌دارد. در بخش بررسی شده از غزلیات حافظ، در ۲ بیت امر منفی با این معنا همراه است:

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
(غزل ۸۰، ب ۱-۲)

مبین حقیر گدایان عشق را کاین قوم شهان بی کمر و خسروان بی کله‌اند
(غزل ۲۰۱، ب ۴)

جملات امری منفی (نهی) در معنای ناامیدی

در این گونه از جملات، گوینده با بیان جمله امری، مخاطب را ناامید می‌کند تا کاری را انجام ندهد. از مجموع ۱۷۰ جمله امری منفی، در ۲ بیت امر با این معنا همراه است:

دیگر مکن نصیحت حافظ که ره نیافت گم‌گشته‌ای که باده نابخش به کام رفت
(غزل ۸۴، ب ۹)

صلاح و توبه و تقوی ز ما مجو حافظ ز رند و عاشق و مجنون کسی نیافت
(غزل ۹۸، ب ۸)

جملات امری منفی (نهی) در معنای تحقیر کردن

این معنی وقتی از جملات امری دریافت می‌شود که گوینده بخواهد مخاطب را تحقیر کند. در بخش مورد بررسی از غزلیات حافظ، در ۲ بیت، این معنا از جملات امری استنباط می‌شود که در یک بیت غیر ذوی‌العقول مخاطب است:

برو فسانه مخوان و فسون مدم حافظ کزین فسانه و افسون مرا بسی یاد است
(غزل ۳۵، ب ۷)

جایی که یار ما به شکرخنده دم زند ای پسته کیستی تو خدا را به خود مخند
(غزل ۱۸۰، ب ۷)

جملات امری منفی (نهی) در معنای اطمینان دادن و استیناس

در این جملات گوینده به مخاطب نسبت به موضوعی یا انجام عملی اطمینان می‌دهد و در واقع طوری با او سخن می‌گوید که او احساس انس و آرامش کند. در ۴ بیت از اشعار حافظ، امر در این معنا به کار رفته است، مانند ابیات زیر:

ای عروس هنر از بخت شکایت منما حجله حسن بیارای که داماد آمد
(غزل ۱۷۳، ب ۵)

کمر کوه کم است از کمر مور اینجا ناامید از در رحمت مشو ای باده‌پرست
(غزل ۲۴، ب ۴)

تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک باور مکن که دست ز دامن بدارمت
(غزل ۹۱، ب ۲)

جملات امری منفی (نهی) در معنای اظهار کراهت

حافظ در ۱ بیت، امر منفی را با معنای کراهت‌داشتن و نکوهیده‌بودن عمل، همراه کرده است:

ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش پیرانه سر مکن هنری ننگ و نام را
(غزل ۷، ب ۵)

جملات امری منفی غیرمستقیم

از مجموع ۱۷۰ بیت دارای فعل نهی در بخش مورد بررسی از غزلیات حافظ، در ۵ بیت امر منفی به صورت غیرمستقیم نقل شده است:

خیال زلف تو گفتا که جان وسیله مساز کزین شکار فراوان به دام ما افتد
(غزل ۱۱۴، ب ۶)

پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش که مگو حال دل سوخته با خامی چند
(غزل ۱۸۲، ب ۸)

گفتم صنم‌پرست مشو با صمد نشین گفتا به کوی عشق همین و همان کنند
(غزل ۱۹۸، ب ۴)

گویند رمز عشق مگویند و مشنوید مشکل حکایتی است که تقریر می‌کنند
(غزل ۲۰۰، ب ۴)

به خنده گفت که حافظ خدای را مپسند که بوسه تو رخ ماه را بیالاید
(غزل ۲۳۰، ب ۹)

نتیجه‌گیری

بررسی معنایی- منظوری گزاره‌های امری در غزلیات حافظ و ارتباط آنها با سبک فردی حافظ از موضوعات مرتبط با دانش معانی و سبک‌شناسی است با این هدف که

بسامد جملات امری در معانی گوناگون در غزلیات حافظ به دست آید و از نتایج آن بتوان در شناخت سبک و اندیشه شاعر استفاده کرد. برای این منظور در این مقاله، ۲۵۰ غزل نخست دیوان حافظ (نسخه مصحح غنی - قزوینی) بررسی شده و مشخص شده است که از مجموع ۲۰۹۸ بیت شعر موجود در ۲۵۰ غزل نخست دیوان حافظ، در ۷۲۴ بیت، جمله امری (مثبت و منفی) وجود دارد که از این تعداد، در ۵۵۴ بیت، جملات امری مثبت و در ۱۷۰ بیت، جملات امری منفی به کار رفته است و این بدان مفهوم است که در یک سوم ابیات ۲۵۰ غزل نخست دیوان حافظ، جملات امری وجود دارد و حافظ از این منظر، امرکننده بزرگی است و به جملات امری توجه ویژه‌ای داشته است. از این تعداد (۷۲۴ بیت)، در بیش از ۳۵ درصد ابیات، جملات امری با دلیل و برهان و علت همراه‌اند؛ به عبارت دیگر، حافظ پس از هر جمله امری، دلیل و علتی هم برای آن آورده تا به گونه‌ای منطقی یا هنری مخاطب را اقناع کند و این یکی از تفاوت‌های بارز جملات امری حافظ و دیگران است. در این مقاله همچنین جملات امری حافظ از نظر معانی ثانویه بررسی شده‌اند چنانکه در جدول زیر دیده می‌شود:

معنای ثانویه نوع جمله	خواهش و تمنا	ارشاد و راهنمایی	دعا	تشویق و ترغیب	تعجب	تعجیز	تسویه و اباحه	نهدید	تحقیر و استهزا	استرحام	اذن و اجازه	امر غیر مستقیم	جمع
	۲۴۰	۱۳۶	۹۷	۹	۱۲	۳	۱	۴	۸	۱۰	۱۱	۲۳	۵۵۴

نتایج به دست آمده از بررسی جملات امری مثبت حافظ نشان می‌دهد که در این جملات، جملات امری تمنایی با ۴۴ درصد، بالاترین بسامد را دارند و پس از آن جملات امری ارشادی قرار دارند با ۲۴ درصد. در این بررسی مشخص شده است که حدود ۸ درصد از گزاره‌های امری حافظ، از نوع امر منفی‌اند که از این تعداد، جملات امری

ارشادی با ۴۱ درصد بیشترین بسامد را دارند و پس از آنها جملات امری تمنایی قرار دارند با ۳۲ درصد، چنانکه در جدول زیر دیده می‌شود:

نوع جمله	معنای ثانویه	ارشاد و راهنمایی	خواهش و تمنا	دعا	بیان عاقبت	تهدید	ملامت	ناامید کردن	تحقیر کردن	اطمینان دادن	بیان کراهت داشتن	نهی غیر مستقیم
		جملات امری با فعل منفی	جملات امری	۷۰	۵۶	۱۹	۵	۴	۲	۲	۴	۲
جمع	۱۷۰											

در این مقاله اغلب گزاره‌های امری بر اساس گوینده، مخاطب و نوع طلب نیز بررسی شده‌اند و مشخص شده است که مخاطب و نوع طلب در جمله‌های امری حافظ متنوع و متعدد است، اما درباره مخاطب بیشترین فراوانی از آن معشوق، ساقی، صبا، مطرب، شاه (ممدوح)، خود حافظ، دل، دیده، شیخ و زاهد است و بیشترین نوع طلب نیز درباره باده و متعلقات آن است و خوش‌باشی و غنیمت‌شمردن وقت و فرصت. در این مقاله همچنین گزاره‌های امری ساخته‌شده با فعل «بیا...»، «گو+ بن مضارع» و جملات امری غیرمستقیم نیز بررسی شده‌اند و به طور خلاصه مشخص شده است که حافظ نیز متأثر از بافت فرهنگی عصر و سنن ادبی به جملات امری، به‌ویژه جملات امری تمنایی و ارشادی توجه ویژه داشته و جملات امری او از منظر مضمون و محتوا متنوع و متعددند و بعید نیست که یکی از دلایل تفاعل زدن با دیوان حافظ همین موضوع باشد.

منابع

- تفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۶) مطول، حاشیه‌السیّد میرشریف، قم، منشورات مکتب‌الداوری.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸) دلائل الاعجاز فی القرآن، ترجمه سید محمد رادمنش، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۴) دیوان، به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ پنجم، تهران، اساطیر.
- حمیدیان، سعید (۱۳۹۵) شرح شوق (شرح و تحلیل اشعار حافظ) چاپ پنجم، تهران، قطره.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۳) حافظ‌نامه (شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ) چاپ ششم، تهران، علمی-فرهنگی.
- رحیمیان، جلال و کاظم شکری احمدآبادی (۱۳۸۱) «نقش‌های معنایی-منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، سال هجدهم، شماره ۳۵، صص ۱۷-۳۴.
- رضی، احمد (۱۳۹۷) روش‌ها و مهارت‌های تحقیق در ادبیات و مرجع‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، فاطمی.
- الزینمی الصینی، محمدبن حکیم (۱۳۶۰) منهاج‌الطلب، تصحیح محمدجواد شریعت، اصفهان، مشعل.
- سکاکي، ابویقوب (ب۱۳۱۷) مفتاح‌العلوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۹) «بررسی گلستان سعدی به تصحیح غلامحسین یوسفی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و سوم، شماره‌های ۹۰-۹۱، صص ۳۹۱-۴۱۵.
- (۱۳۷۵) دستورزبان فارسی، چاپ هفتم، تهران، اساطیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱) رستاخیز کلمات، چاپ دوم، تهران، سخن.
- (۱۳۹۷) این کیمیای هستی (درباره حافظ، درس گفتارهای دانشگاه تهران)، چاپ دوم، تهران، سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳) کلیات سبک‌شناسی، چاپ چهارم از ویراست دوم، تهران، میترا.
- (۱۳۹۴) معانی، چاپ چهارم از ویرایش دوم، تهران، میترا.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها) تهران، سخن.
- کاردانی، چنور و تیمور مالمیر (۱۳۸۸) «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی کاوش‌نامه، سال دهم، شماره ۱۹، صص ۱۲۳-۱۵۲.
- گلی، احمد و فرهاد محمدی (۱۳۹۴) «ساخت رابطه‌تعلیلی-استنتاجی جملات در ابیات شعر حافظ»، مجله شعر پژوهی، شماره ۲۶، صص ۱۱۷-۱۴۰.

- لونگینوس (۱۳۷۹) در باب شکوه سخن، ترجمه رضا سید حسینی، تهران، نگاه.
- ماهیار، عباس و رحیم افضلی راد (۱۳۹۳) «بررسی اغراض ثانویه جملات امری در غزلیات سعدی»، فصلنامه علمی- پژوهشی بهار ادب، شماره ۲۴، صص ۱۲۳-۱۳۶.
- ناشر، عبدالحسین (بی تا) درالادب، قم، الهجره.
- نوریان، سیدمهدی (۱۳۷۳) یادداشت‌هایی بر حافظ‌نامه بهاء‌الدین خرمشاهی، مندرج در مستدرکات حافظ‌نامه، چاپ ششم، تهران، علمی- فرهنگی، صص ۱۴۷۵-۱۴۹۳.
- الهاشمی، احمد (۱۳۸۷) جواهرالبلاغه، ترجمه علی‌اوسط ابراهیمی، چاپ چهارم، قم، حقوق اسلامی.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴) درباره معانی و بیان، به کوشش ماهدخت‌بانو همایی، تهران، هما.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی